

# معماری



مجله آموزشی - اطلاع رسانی سازمان نظام مهندسی ساختمان خراسان رضوی

۸۹  
۹۰

بهمن  
اسفند  
۱۳۹۶

درخت دوستی بنشان که گام دل به بار آرد

بازخوانی همزمان ایران و مدرنیته آسیب شناسی مدیریت شهری مشهد و تخریب فرایند توسعه | بقدر کافی تکنسین های اجرایی تربیت نکرده ایم! | مهندسان و بایدهای پیش رو |  
اپیرمردی آرام زیر درختی با طراوت | جنگل رادرون یک گلستان جای داده ایم | کار ماتوپ زدن نیست | صوت زدن در کنار میدان است! | هندسه برج آزادی | زلزله و درس هایی که نمی آموزیم |



مهندسين مشاور جهدازما

شرکت مهندسی مشاور جهدازما

www.jahdazma.com

info@jahdazma.com



کنترل کیفیت یعنی همه چیز

زمینه های فعالیت شرکت مهندسين مشاور جهدازما پایه یک گرایش ژئوتکنیک از سازمان مدیریت و برنامه ریزی

- محاسبه و اجرای سازه های نگهدارنده ● حفاری ژئوتکنیک و آزمایشات صحرایی ● آزمایشات فیزیک و مکانیک خاک و سنگ
- آزمایشات شیمیایی خاک و آب ● طرح و کنترل عملیات خاکی، بتنی و آسفالتی
- محاسبات فنی و تهیه گزارش مهندسی ● مقاومت مصالح و خدمات جنبی طرح مقاوم سازی لرزه ای

آدرس دفتر مرکزی: مشهد - بلوار فردوسی - حدفاصل چهارراه فرامرز عباسی و میدان استقلال - شماره ۵۹۸ - کدپستی: ۹۱۸۷۹۹۵۱۸۵  
تلفن: ۳۶۰۷۶۴۴۶ (خط ۱۰) - فکس: ۳۶۰۵۷۹۹۶ - ۵۱



نشریه برتر در اولین جشنواره سراسری انتخاب نشریات برتر سازمان های نظام مهندسی ساختمان (۱۳۹۰)

گود یا گور، مقاله برتر هجدهمین جشنواره سراسری مطبوعات و خبرگزاری های کشور (۱۳۹۰)

نشریه برتر در دومین جشنواره سراسری انتخاب نشریات برتر سازمان های نظام مهندسی ساختمان (۱۳۹۲)



## به نام خدا

صاحب امتیاز: سازمان نظام مهندسی ساختمان خراسان رضوی  
مدیر مسئول: مهندس حسین کامران  
مدیر اجرایی: مهندس محمد تقی خسروی

### نمایندگان گروه های تخصصی:

سرویس عمران: دکتر مسعود ریاضی  
سرویس نقشه برداری: مهندس احمد اسدی  
سرویس ترافیک: مهندس رامین آهوپی  
سرویس معماری: دکتر آناهیتا زنده دلان  
سرویس شهرسازی: دکتر ناصر محسنی  
سرویس مکانیک: دکتر اردشیر فرشیدیان فر  
سرویس برق: دکتر سید مجید مزینانی  
مدیر بازرگانی: معصومه گلمکانی

### همکاران این شماره:

همکاران این شماره: ایمان مردانی، حمیدرضا صبا، مریم ضیائی، احسان رعنائی، الهه صفائی، آناهیتا زنده دلان، حسین خسروی، ناصر نیکبیا، جواد علامتبان، ناصر محسنی، ایمان قفقازی، علیرضا ملاصالحی، ایمان سریری، محمدرضا محسنین، عباس رجبی فرد، بهرام غفاری، سید محمد غرضی، محمدرضا اسلامی، طاهره نصر، ادریس فرهنگ، محمد جواد ابوالفتحی، ماشاء.. سعیدیان، مهران باتویه، محمد نورافشان، سعید سلیمی، علی هنرور قیصری، علی اکبر معین فر، مزدا نوبری، محسن رنانی، نعمت حسینی، خسرو معتضد

### با سپاس از همکاری صمیمانه:

جواد صبوچی، معصومه گلمکانی

### لیتوگرافی، چاپ و صحافی: موسسه چاپ و انتشارات آستان قدس رضوی

نشانی: مشهد، خیابان راهنمایی، نیش راهنمایی ۲۵، شماره ۱۰، ساختمان شماره ۳ سازمان نظام مهندسی ساختمان خراسان رضوی، نشریه طاق تلفن نشریه (مدیر اجرایی): (۰۵۱) ۳۸۴۲۶۷۲۶  
نمابر: (۰۵۱) ۳۸۴۲۶۷۲۶

پست الکترونیک: [eng.mkhosravi@gmail.com](mailto:eng.mkhosravi@gmail.com)

پرتال نظام مهندسی ساختمان خراسان رضوی:

[www.nezammohandesi.ir](http://www.nezammohandesi.ir)

همکار محترم؛ خواهشمند است تغییر آدرس خود را مشخصاً در سایت سازمان (سامانه مهندسان) اعمال فرمایید.

نشریه طاق از دریافت نظرات همکاران در زمینه های مختلف مندرج در ماهنامه به منظور درج در شماره آتی استقبال می کند. نقل مطالب ماهنامه طاق با ذکر منبع بلامانع است. مطالب مندرج الزاماً بیانگر مواضع و دیدگاه های سازمان نظام مهندسی ساختمان و ماهنامه نیست. درج آگهی محصولات تجاری به منزله تایید سازمان نظام مهندسی ساختمان برای این محصولات نمی باشد.

۵	رویش شکوفه‌های همدلی بر شاخسار تلاش مهندسان	سرمقاله
۶	بیانات در دیدار با دانشجویان دانشگاه شهید بهشتی	سروش اندیشه
۷	مردم بهتر از دولت کار می‌کنند	رهنمود
۸	درخت دوستی بنشان ...	بهاریه
۹	شهر و توسعه	مقاله
۱۴	می توان چشم انداز روشنی را برای آینده ایران ترسیم کرد	گفت وگو
۱۹	ضرورتی به نام اخلاق مهندسی	گفت وگو
۲۰	وقتی سیمان را با ایمان مخلوط می کردند	گفت وگو
۲۵	شهادت نهیب است به زمین	گفت وگو
۲۶	کار ما توپ زدن نیست ، سوت زدن در کنار میدان است	گفت وگو
۳۲	فکر نمی کردیم پایتخت ایران دهکده ای به نام تهران باشد	گفت وگو
۳۶	مهندسان و بایدهای پیش رو	گفت وگو
۳۸	به قدر کافی کار نکرده ایم	گفت وگو
۴۴	دولت خانه سازی را به توسعه گران کشور محول می کند	گفت وگو
۴۸	جنگل را درون یک گلدان جای داده ایم	گفت وگو
۵۰	شهرسازها را جایگزین احزاب کنیم	گفت وگو
۵۲	نقشه برداری و دغدغه های حرفه ای	گفت وگو
۵۶	نگاهی به زندگی مردی که مهندسی وامدار همت توست	گفت وگو
۶۱	نامی همیشه سبز در شهر	گفت وگو
۶۳	معمار منشی والا	گفت وگو
۶۵	بی پروا از هیمنه هیمنه های تردید	گفت وگو
۶۷	پراز طراوت تکرار	گفت وگو
۶۸	آرزو می کنم ما هم صاحب نظام معماری شویم	گفت وگو
۷۰	یک سوء تفاهم بنیادی	گفت وگو
۷۲	شهرهایی که افسردگی را نهادینه می کند	گفت وگو
۷۶	اجرای سیستم اتصال زمین	گفت وگو

مقاله	ترافیک	۷۹
مقاله	شناسایی طیف حادثه خیزی تصادفات شهر مشهد با استفاده از روش خود همبستگی مکانی و روش تخمین تراکم کرنل	
مقاله	شهرسازی	۸۶
مقاله	فضاهای گمشده شهری و نقش طراحان شهری	
مقاله	عمران	۹۲
مقاله	بررسی نحوه تصفیه فاضلاب‌های تانکری تخلیه شده به کشف رود	
مقاله	زلزله و درس‌هایی که نمی‌آموزیم	۹۷
مقاله	نقشه‌برداری	۱۰۰
مقاله	کاربرد سیستم اطلاعات زمینی در فرایند تشخیص بافت فرسوده و آرایه تسهیلات و مجوز ساخت برای نوسازی آن‌ها	
مقاله	کنترل	۱۰۶
مقاله	ایمنی بالابرهای ساختمانی	
مقاله	مدیریت	۱۱۲
مقاله	مدیریت دعاوی در قراردادهای پروژه‌های عمرانی	
مقاله	مکاتیک	۱۲۰
مقاله	آشنایی با سیستم اطفاء حریق و نحوه محاسبات آن	
مقاله	ترجمه	۱۲۸
مقاله	هندسه برج آزادی	
مقاله	معماری	۱۳۶
مقاله	تأثیر اورینگامی در انعطاف پذیری معماری و سازه	
مقاله	تلنگر	۱۴۱
مقاله	تخصص یا تعهد از دیدگاه شهید دکتر مصطفی چمران	
مقاله	عمران	۱۴۲
جدول	تحلیل دینامیکی دیواره گود پایدارسازی شده توسط گروه شمع در قیاس با روش میخ کوبی	
مقاله	جدول کلمات متقاطع	۱۵۱
مقاله	سفرنامه	۱۵۲
مقاله	شهر باغ‌ها و عرصه‌های سبز شهری	
مقاله	یادداشت	۱۶۰
مقاله	رسانه مهندسی: مهندسی فرصت‌ها	
مقاله	رویدادها	۱۶۲



دیدگاه | محسن رنانی

## آسیب شناسی مدیریت شهری مشهد و تخریب فرآیند توسعه شهر و توسعه

**اشاره:** آنچه می خوانید برگرفته از سخنان دکتر محسن رنانی؛ عضو هیئت علمی و استاد تمام دانشکده اقتصاد دانشگاه اصفهان در نشست است که جمعه پانزدهم مردادماه سال ۹۵ در پژوهشکده ثامن برگزار شد. وی در این نشست با بیان چالش های پیش روی توسعه شهری بویژه در شهر مشهد به تبیین بایدها و الزامات فرهنگی و نیز دغدغه های مرتبط با حوزه های شهری در این کلانشهر و توصیه هایی در این خصوص اشاره دارد. شایان ذکر است دکتر رنانی به دعوت اتاق بازرگانی صنایع و معادن مشهد برای حضور و سخنرانی در مراسم گرامیداشت چهلمین روز درگذشت زنده یاد سید جواد شهرستانی و شرکت در همایش بین المللی خاتم الشعرا عبدالرحمان جامی به مشهد و تربت جام سفر کرده بود. ضمن سپاس از دست اندرکاران پژوهشکده ثامن به دلیل رایج فایل صوتی این نشست متن حاضر را تقدیم حضورتان می کنیم.



نفت، آب و... ذیل نظام سیاسی جهت تحقق اهداف نیست؛ بلکه منابع میان حاکمیت گروه‌های ذی نفوذ متعدد تقسیم شده است. هر بخشی از این سیستم دارای قدرتی است و بنابراین هر بخشی به دنبال حداکثر سازی قدرت و منافع در حوزه خودش هست یا به دنبال اهدافی است که آن حوزه قدرت تعریف می‌کند. سه قوه مجریه، مقننه و قضاییه را فرض بگیرید اگر از روسای هر یک از این سه قوا بخواهیم که سه اولویت نخست ملی ما را بنویسند اگر هر یک از سه قوه اولویت‌ها و ترتیب یکسانی داشته باشند، آن موقع می‌توانیم ادعا کنیم که این روسای قوا در ذهنشان اولویت‌های ملی یکسانی دارند و به دنبال اهداف مشترک و واحدی هستند، پس این نظام از جنس همگن است.

**من ضمن اینکه انتظار داشتیم بافت شهری مشهد یک هویت واحد را منعکس کند، انتظار داشتیم هر خیابان مشهد یک نماد ویژه ای، یک طراحی، معماری، ارتفاع و فضا سازی خاص را از یکی از جنبه‌های تاریخی مذهبی ما ایرانیان یا مشهد منعکس کند یعنی در واقع ما نه تنها باید یک ساختمان و خیابان نمادین بسازیم بلکه باید شهری نمادین بسازیم که هر کجا از دنیا تصویری از این شهر را می‌بینند، بگویند اینجا مشهد هست، اینجا جمهوری اسلامی است**

اما اگر اولویت‌های اصلی ملی ما از نظر رئیس قوه مجریه رکود، بیکاری و حل تخاصمات و برخوردها با خارج بود، و در ذهن رئیس قوه قضاییه اولویت‌های اصلی ملی مثلاً مبارزه با تهاجم فرهنگی و بدحجابی بود و رئیس قوه مقننه دغدغه آتش مثلاً ادامه فعالیت ایران در انرژی اتمی و چیزهای دیگری باشد به این معناست که هر قوه به دنبال اهداف متفاوتی است حالا اگر شما گروه‌های دیگری مانند نظامی‌ها یا سایر بخش‌های حکومت که خارج از سه قوه هستند یا حتی بخش‌های دیگری از نظام سیاسی که خارج از حکومت هستند، مثل حوزه‌های علمیه، را هم در نظر بگیرید می‌بینیم که با تعدد گروه‌های قدرت و در نتیجه تعدد اهداف مواجه هستیم. یعنی اینکه ما با یک حکومت از جنس همگن مواجه نیستیم و این گروه‌های ذی نفوذ و ذی نفع منابع کشور را بین خودشان تقسیم می‌کنند و هر یک در یک حوزه ای حکمرانی خود را بر اساس اهدافش اعمال می‌کند. این مشکلات ساختاری اجتماعی و اقتصادی و شهری که امروزه در جمهوری اسلامی با آن مواجه هستیم و بعضی از آن‌ها آهسته آهسته تبدیل به مشکلات لاینحل می‌شوند، محصول آن ساختار سیاسی است. یعنی حتی اگر ما از رکود اقتصادی کنونی هم خارج شویم برای ورود به فاز توسعه نیازمند حل مشکل «نفوذهای نا همگن» هستیم. به بیانی دیگر حکومتی می‌تواند توسعه ایجاد کند که از جنس نفوذ همگن و یکپارچه باشد.

حال وقتی شما وارد مشهد می‌شوید، آن الگوی نفوذ نا همگن که در سطح ملی وجود دارد را به گونه ای بسیار شدیدتر و افراطی تر در مشهد احساس می‌کنید یعنی شما احساس نمی‌کنید یک مدیریت واحد، یک فکر واحد و یک حکمرانی واحد در حال مدیریت این شهر است؛ بلکه با یک حاکمیت چند پاره مواجه

در ابتدای ورود به خراسان و شهر مشهد با یک تصویر تعارض آمیز در بافت اجتماعی و شهری مواجه می‌شویم و همین مسئله سبب می‌شود که در نگاه نخست، نظام شهری مشهد بسیار پر تعارض نمایان شود. سال به سال این تعارضات شدیدتر می‌شود و به تدریج این پرسش را در اذهان شکل می‌دهد که چرا این نماد هویتی تشیع در کشوری اسلامی دارای ساختاری متعارض و متضاد در رفتار اجتماعی و ساختار شهر است؟! از کجا نشأت گرفته و چرا اینگونه شده است؟! به گونه ای که هم اکنون نمی‌توانیم مشهد را به عنوان یک الگوی مدنی شیعه به دنیا معرفی کنیم. باید توجه داشت که مشهد شهری هویت ساز و استراتژیک برای جمهوری اسلامی است و به بیانی دیگر تمامی امکانات برای یک حکمرانی نمادین دینی وجود داشته است در نتیجه این انتظار می‌رفته که در بدو ورود به این شهر انعکاس یک مدنیت دینی را در مشهد به عنوان یک شهر راهبردی و هویت ساز برای جمهوری اسلامی شاهد باشیم. اما متأسفانه چنین نیست.

من ریشه این مهم را در ساختار نظام سیاسی می‌بینم یعنی معتقدم ما یک الگویی در نظام سیاسی داریم که این الگو به گونه ای شدیدتر و افراطی تر در مشهد و در استان خراسان منعکس شده است. در واقع تعارضی که ما در بدو ورود در ساختار شهری مشهد می‌بینیم از آنجا ناشی می‌شود که نظام جمهوری اسلامی به لحاظ ساختار سیاسی از جنس نظام نفوذهای نا همگن است.

### مشهد و حکومت نفوذ نا همگن

در اقتصاد سیاسی، حکومت‌ها را به «حکومت نفوذ همگن» و «حکومت نفوذهای نا همگن» تقسیم می‌کنیم. حکومت‌های نفوذ همگن حکومت‌هایی هستند که تمام ارکان قدرت هماهنگ با هم برای تحقق مجموعه‌ای از اهداف مشخص با اولویتهای معین تلاش می‌کنند به عبارت دقیق‌تر یک تابع هدف واحد را حداکثر می‌کنند به لحاظ سازماندهی هم، تمامی اجزا هماهنگ عمل می‌کنند و تقسیم منابع و منافع هم در یک سازمان یک دست برای همه اجزا صورت می‌پذیرد. در جمهوری اسلامی به علل متعدد از جمله ساختار انقلاب اسلامی، ساختار قانون اساسی و به علت وجود نفت که سبب می‌شد این ساختار شدیدتر تجزیه و تفکیک شود ما با یک حکومت نفوذهای نا همگن مواجه هستیم یعنی گرچه ما یک نظام سیاسی واحد داریم اما ذیل این نظام سیاسی واحد بخش‌های مختلف حکومت را گروه‌های مختلف قدرت به دست گرفتند و به همین ترتیب منابع و منافع مختلفی را هم در پشت سر خودشان ذخیره و جذب کردند؛ به عبارت دیگر منابع کشور ما اعم از زمین،

می‌شوید که هر بخش از حاکمیت یک بخش از بافت اجتماعی، شهری و اقتصادی مشهد را مدیریت می‌کند و این حوزه‌های نفوذ هم، نه تنها با هم رفاقت و هماهنگی ندارند بلکه با هم رقابت و در مواردی هم خصومت دارند. بنابراین در نگاه اول که با بافت شهری مشهد مواجه می‌شوید، متوجه می‌شوید که چقدر این شهر از فقدان یک مدیریت واحد استراتژیک با دید بلندمدت رنج می‌برد. از همین رو امروزه مشهد که باید شهری استراتژیک، هویت آفرین و نماد آفرین برای جمهوری اسلامی باشد، نمی‌تواند به عنوان نماد و الگویی از حکمرانی شهری، حکمرانی سیاسی، حکمرانی اقتصادی و حکمرانی مدنی برای جمهوری اسلامی مطرح شود. من ضمن اینکه انتظار داشتیم بافت شهری مشهد یک هویت واحد را منعکس کند، انتظار داشتیم هر خیابان مشهد یک نماد ویژه‌ای، یک طراحی، معماری، ارتفاع و فضاسازی خاص را از یکی از جنبه‌های تاریخی مذهبی ما ایرانیان یا مشهد منعکس کند یعنی در واقع ما نه تنها باید یک ساختمان و خیابان نمادین بسازیم بلکه باید شهری نمادین بسازیم که هر کجا از دنیا تصویری از این شهر را می‌بینند، بگویند اینجا مشهد هست، اینجا جمهوری اسلامی است اما ما نه تنها خیابان‌ها و شهر نمادین نساختیم بلکه عناصر نمادین اولیه برای هویت بخشی به یک نظام شهری را هم طراحی و اجرا نکردیم. برای نمونه صحن جامع رضوی را در نظر بگیرید؛ اگر شما تصویری از گوشه‌های مختلف این صحن داشته باشید، یا حتی تصویری از کل صحن داشته باشید و در آنطرف دنیا به کسی، مثلاً به یک گردشگر فرهنگی، نشان دهید، او متوجه نمی‌شود اینجا کجاست چرا که آن تصویر به مانند تمامی مساجد دیگر است و هیچ نماد و عنصر هویت بخش و تمایز آفرینی در آن نیست. در حالی که این همه سرمایه می‌توانست یک نماد فرهنگی تاریخی ویژه برای مشهد و برای جمهوری اسلامی ایجاد کند.

**علاوه بر اینکه نتوانستیم در مشهد یک صحن نمادین، یک خیابان نمادین، یک هتل نمادین، یک مسجد نمادین یا یک ساختمان نمادین را بسازیم بلکه آن نماد تاریخی مان یعنی حرم مطهر رضوی را نیز در میان صحن‌ها و هتل‌های ساخته شده در اطراف آن دفن کرده‌ایم.**

### غفلت از سرمایه نمادین

امروز یکی از عناصر مهم توسعه تولید سرمایه‌های نمادین است. برای نمونه دویی از الگوی بادگیرهای شهر یزد الهام گرفت و بخشی از شهر را با شکل بادگیرهای یزد ساخت، امروزه پوسترهای این بادگیرها در دنیا منتشر شده و هر کس در دنیا این تصاویر را می‌بیند می‌گوید اینجا دویی هست! یعنی ما نتوانستیم بادگیرهای بومی یزدمان را به نماد ملی مان تبدیل کنیم ولی اماراتی‌ها نه تنها معماری بادگیرهای ما را برای هویت بخشی به خودشان استفاده کردند بلکه کارهای نمادین بسیار دیگری برای هویت بخشی به خودشان انجام دادند؛ نظیر ساخت برج العرب، جزایر نخل و ساختمان‌های یگانه دیگر که به گونه‌ای ساخته شدند که هر کسی می‌رود دویی می‌گوید من حتماً باید این‌ها را ببینم، یعنی به گونه‌ای نمادین ساخته شدند. حالا نگاه کنید در طول این چهار دهه این همه منابع مالی در

استان خراسان و شهر مشهد هزینه شده اما امروزه چه نمادی غیر از حرم رضوی را می‌توانیم به دنیا معرفی کنیم؟! حتی در حرم رضوی هم فقط گنبد و صحن‌های قدیمی و مسجد گوهرشاد نمادین هستند و هیچکدام از ساختمان‌های الحاقی دیگر را نتوانسته‌ایم نمادین بسازیم و این نمونه‌های ناتوانی مدیریتی ماست.

**جای جای بافت فرهنگی شهر مشهد به خاطر ساخت و سازهای تجاری آستان قدس، شهرداری و دیگر متولیان تخریب شده و بخش‌های هویت آفرین در زیر نگاه تجاری از میان رفته است. متأسفانه در یک کلام باید بگوییم، مشهد را نگاه تجاری نابود کرده است.**

علاوه بر اینکه نتوانستیم در مشهد یک صحن نمادین، یک خیابان نمادین، یک هتل نمادین، یک مسجد نمادین یا یک ساختمان نمادین را بسازیم بلکه آن نماد تاریخی مان یعنی حرم مطهر رضوی را نیز در میان صحن‌ها و هتل‌های ساخته شده در اطراف آن دفن کرده‌ایم. هر کس از هر کجایی که وارد مشهد می‌شود، از هر ساختمانی، در ورودی هر خیابان اصلی و در هر صحنی باید بتواند گنبد رضوی را ببیند؛ اما مدیریت شهری و مدیریت خود آستان قدس به حدی ناتوان بوده و غیر علمی بوده است که نمی‌دانسته این نگین باید روی سر انگشتر باشد نه در داخل سازه انگشتر مدفون شود؛ بنابراین اکنون شما حتی در داخل صحن‌های حرم رضوی هم که هستید نمی‌توانید حرم اصلی و گنبد را ببینید. یعنی ما مهمترین مولفه هویت آفرین و نمادین مشهد را در انبوهی از آهن و سیمان مخفی یا مدفون کرده‌ایم.

و جای بسی تامل است که این نحوه مدیریت نه تنها بافت فیزیکی یعنی ساختارهای مسکونی و شهرسازی هویت بخش شهر را تخریب کرده بلکه بافت فرهنگی شهر را نیز نابود کرده است. یعنی شما دیگر از خاطرات و حال و هوای مشهد تاریخی چه چیزی در این کوچه‌های تنگ که ساختمان‌های پانزده طبقه ساخته‌اند، می‌بینید و حس می‌کنید؟ بنابراین جای جای بافت فرهنگی این شهر به خاطر ساخت و سازهای تجاری آستان قدس، شهرداری و دیگر متولیان تخریب شده و بخش‌های هویت آفرین در زیر نگاه تجاری از میان رفته است. متأسفانه در یک کلام باید بگوییم، مشهد را نگاه تجاری نابود کرده است. این نگاه تجاری در دیگر شهرها هم هست اما در آن شهرها باید چند روزی بمانید، با مردمانشان وقت بگذرانید تا متوجه این نگاه تجاری شوید و متوجه نابودی هویت‌های فرهنگی آن‌ها بشوید؛ ولی در مشهد در همان نگاه نخست متوجه این مسئله می‌شوید که چیزی به نام سرمایه نمادین در اندیشه کارگزاران این شهر وجود نداشته است. مشهد خودش به عنوان یک شهر باید سرمایه نمادین ملی تلقی شود، حرم رضوی هم به تنهایی یک سرمایه نمادین ملی است و بنابراین هر چیزی که در این بافت ساخته و به آن افزوده می‌شود باید سرمایه نمادین و هر توسعه‌ای در این شهر و در حرم باید متناسب با سرمایه‌های نمادین گذشته آن انجام شود اما متأسفانه نه تنها این مهم رخ نداده بلکه آنچیزی هم که می‌توانست به نوعی نماد مشهد و نماد تاریخ این شهر باشد از میان رفته است. کم‌کم به واسطه حضور انبوه مهاجران در مشهد لهجه مشهدی‌ها هم از





نسبی اولیه و اصلی آن جا طراحی و بعد در کنار آن مزیت‌های رقابتی جدیدی آفریده شود. مزیت نسبی که حاصل دارایی‌های یک شهر می‌باشد، در شهر مشهد، حرم رضوی است اما در کنار این مزیت نسبی، مزیت‌های رقابتی که حاصل مدیریت ماست، طراحی نشده است. ایده کلی من این است که شهری به مانند مشهد باید از صنعت فاصله بگیرد و اگر هم قرار است صنعتی باشد، باید صنایع پاک و دانش پایه باشند و اگر قرار است کشاورزی محور قرار گیرد باید کشاورزی معطوف به توسعه پایدار و محیط زیست، و نه معطوف به کسب درآمد و تجارت، باشد.

اگر بخواهیم برای مشهد و خراسان الگوی توسعه ای طراحی کنیم در مرکزیت آن مزیت نسبی یعنی جاذبه‌های حرم رضوی و نیاز زیارتی را قرار می‌دهیم و در اطراف آن باید مجموعه ای از خدماتی که از جنس مزیت رقابتی است، طراحی کنیم. با این نگاه معتقدم استراتژی توسعه خراسان و به طور خاص مشهد باید حول گردشگری زیارتی طراحی شود و باقی بخش‌ها باید مکمل این باشند یعنی از بخش‌هایی که با گردشگری زیارتی سازگار نیستند باید به تدریج کاسته شود یا حداقل جلوی گسترش آن‌ها گرفته شود و بخش‌هایی که مکمل آن هستند توسعه بیابند مثلا ما می‌توانیم گردشگری طبیعی و گردشگری فرهنگی و گردشگری درمانی را نیز در مشهد داشته باشیم یعنی یک الگوی گردشگری طراحی شود که در مرکزیت آن گردشگری زیارتی است و همراه آن قابلیت‌های گردشگری

میان می‌رود. من هر وقت به مشهد می‌آیم جز با دلی پراز غصه از این شهر خارج نمی‌شوم.

این آتش سوزی که اخیراً در مشهد رخ داد خود یک حادثه نمادین است و نشان می‌دهد که با یک حادثه کوچک نیز ممکن است شهر مشهد آتش بگیرد. این بافت جمعیت گسترده حاشیه نشینی که دارد مشهد را در خود می‌بلعد، این بافت تجاری بی‌قواره‌ای که همه ما را در خود می‌بلعد، این‌ها همه می‌توانند زمینه‌ساز بحران‌های اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و شهری شوند. به گمان من با این بافت شهری، جمعیتی و این شیوه مدیریت، مشهد مستعدترین شهر برای شروع بحران‌های آتی اجتماعی، اقتصادی و سیاسی در کشور است. اگر به سرعت به یک اجماع درون استانی و ملی در میان سیاست مداران و نخبگان تان برای نجات مشهد نرسید، ممکن است به زودی و در آینده ای نزدیک که به بحران تامین آب یا دیگر بحران‌ها برخورد کنیم مدیریت بحران در شهری مثل مشهد تقریباً ناممکن شود. در نتیجه به نظر می‌رسد باید در اندیشه تشکیل یک اتاق بحران برای بازنگری در شیوه حکمرانی در این شهر باشید و هیچ خط قرمزی را برای نقد وضع موجود باقی نگذارید تا راهکاری برای قرار دادن مشهد بر روی ریلی جدید یافت شود.

### الگوی توسعه شهر مشهد

اصولاً باید محور توسعه هر منطقه و هر شهری در چارچوب مزیت

طبیعی و فرهنگی و درمانی نیز طراحی شده و موجود است. شما در مرکز مشهد، حرم رضوی و در اطراف این شهر مراکز فرهنگی خاصی مانند توس را دارید و مراکز طبیعی مانند طبقه و شان‌دیز که می‌توان این مناطق گردشگری را به هم متصل کرد؛ در نتیجه نباید به گردشگر به دید فردی نگاه کرد که فقط در هتل اسکان می‌یابد و چند باری به حرم می‌رود و سپس به شهر خود باز می‌گردد. به بیان دیگر باید کوشید که زائران را به گردشگر هم تبدیل کرد. توجه داشته باشید که مشهد به تنهایی پتانسیل اقتصادی برخی از کشورهای را داراست که آثار تاریخی و باستانی فراوانی دارند. برای نمونه ترکیه را در نظر بگیرید که ۳۰ میلیون گردشگر دارد و بخش بزرگی از اقتصادش بر اساس این ۳۰ میلیون گردشگر تنظیم می‌شود و می‌چرخد؛ حالا چطور می‌شود که یک شهر مثل مشهد و یک استانی مثل خراسان بین ۱۰ تا ۱۵ میلیون گردشگر داشته باشد ولی نتواند یک اقتصاد پویا و پیش رو داشته باشد؟! این نشان می‌دهد که برنامه ریزی بلندمدت برای استفاده مناسب از این پتانسیل وجود نداشته است.

**توجه داشته باشید که مشهد به تنهایی پتانسیل اقتصادی برخی از کشورهای را داراست که آثار تاریخی و باستانی فراوانی دارند. برای نمونه ترکیه را در نظر بگیرید که ۳۰ میلیون گردشگر دارد و بخش بزرگی از اقتصادش بر اساس این ۳۰ میلیون گردشگر تنظیم می‌شود و می‌چرخد؛ حالا چطور می‌شود که یک شهر مثل مشهد و یک استانی مثل خراسان بین ۱۰ تا ۱۵ میلیون گردشگر داشته باشد ولی نتواند یک اقتصاد پویا و پیش رو داشته باشد؟!**

نکته دیگر اینکه با توجه به همجواری استان خراسان با مرزهای شمالی می‌توانید روی موضوع ترانزیت هم به عنوان یک محور کمک کننده به توسعه نگاه کنید. حتی می‌توان علاوه بر ترانزیت مسافر، ترانزیت‌های دیگری نیز داشت؛ یعنی مشهد می‌تواند یک مرکز صدور کالا و خدمات به برخی از کشورهای همسایه باشد یا می‌تواند مرکز مدیریت و واردات برخی از کالاهای کشاورزی باشد که سرمایه‌گذار و نیروی کار ایرانی می‌تواند در کشورهای شمالی ایران تولید و سپس وارد کشور و توزیع کند. بنابراین مشهد می‌تواند یک مرکزیت برای تعامل کل کشور با کشورهای همجوار شمالی باشد. در نتیجه می‌توان یک الگوی گردشگری-ترانزیتی را طراحی کرد و همه این‌ها با محوریت هویت معنوی و دینی مشهد باشد.

### **نفوذ ناهمگن و توسعه**

حکومت نفوذ ناهمگن اصولاً نمی‌تواند منجر به توسعه شود، زیرا توسعه مستلزم تقسیم دقیق انرژی در بلندمدت است به گونه‌ای که جمع انرژی (یعنی اتلاف انرژی در سیستم) و مصرف انرژی کمتر از ورود آن رسیده است؛ و آنچه می‌بینیم، سرمایه‌های اجتماعی، ارزش‌ها، هویت ملی، هویت قومی و هویت مذهبی است که در حال نابود شدن است؛ در حالی که این‌ها مولفه‌هایی هستند که انسجام اجتماعی می‌بخشند بنابراین، این ساختار سیاسی کنونی ذاتاً توانایی تولید توسعه را دارا نیست.

**معتقدم استراتژی توسعه خراسان و به طور خاص مشهد باید حول گردشگری زیارتی طراحی شود و باقی بخش‌ها باید مکمل این باشند یعنی از بخش‌هایی که با گردشگری زیارتی سازگار نیستند باید به تدریج کاسته شود یا حداقل جلوی گسترش آن‌ها گرفته شود**

اصولاً قدرت نظام اقتصادی با یک شبی در طول تاریخ به بالا می‌رود، حالا هرچه تحولات فناوری بیشتر و سریع‌تر باشد این شیب نیز بیشتر می‌شود، اما این نظام اقتصادی زمانی می‌تواند در عین آن که شیب ملایم رشد خود را حفظ می‌کند به تدریج با هزینه‌ای کمتر و کمتر فعالیت کند که یک نظام حقوقی پیشرفته و کارآمد و پویا مکمل آن باشد و بتواند آن نظام اقتصادی را حمایت و پشتیبانی کند. چون هر تحول اقتصادی یک آثار حقوقی را داراست، اگر نظام حقوقی نتواند آن آثار حقوقی را حمایت و حفاظت کند، حفاظت از این آثار حقوقی برای خود بخش خصوصی دشوار و پرهزینه می‌شود و کم‌کم او را ناتوان و خسته و فرسوده می‌کند. اصطلاحاً می‌گوییم هر فناوری جدیدی دارای «برونریز» یا پیامدهای بیرونی است که این پیامدهای بیرونی را باید نظام حقوقی تحت پوشش درآورد. اگر برونریز منفی است باید نظام حقوقی جلوی آن را بگیرد مثل آلودگی کارخانه‌ها و اگر این برونریزها مثبت است، مثل رونق و اشتغالی که یک طرح اقتصادی در یک منطقه می‌آورد، نظام حقوقی باید آنرا حمایت کند تا تداوم یابد و تقویت شود. اما از آنجایی که نظام حقوقی در کشور ما هیچ از این دو کار را انجام نمی‌دهد یا خیلی ضعیف انجام می‌دهد، نظام اقتصادی در یک جاهایی فرسوده و زمین‌گیر می‌شود یا حتی فرو می‌ریزد. نظام حقوقی ما حدوداً ۴۰ سال از نظام اقتصادی ما عقب است؛ یعنی ۴۰ سال به لحاظ فناوری، دانش و سازماندهی از نظام اقتصادی عقب است؛ مثلاً شما در حالی که می‌بینید بنگاه‌های تولیدی می‌توانند به صورت آنلاین در ظرف چند دقیقه یا چند ساعت مواد اولیه مورد نیاز خود را در آن سوی دنیا مشاهده کنند و از کیفیت آن مطلع شوند و سپس سفارش بدهند و حتی وجه آن را پرداخت کنند، اما همان مواد اولیه وقتی به گمرک رسید در گمرک برای ترخیص آن گاهی چند ماه باید در نوبت بررسی بماند. یا در اداره ثبت اسناد برای یک تغییر ساده مالکیت یک شرکت یا بنگاه چندماه یا چند سال باید دوندگی کرد. این‌ها همه نشانه‌هایی است که نظام حقوقی نمی‌تواند نظام اقتصادی را حمایت کند. این شکاف میان نظام اقتصادی و حقوقی نیز به مسئله نفوذ ناهمگن افزوده شده است و عملاً سیستم زمین گیر است. بنابراین یکی از تحولات مهم مورد نیاز برای عبور کشور ما از بحران‌ها، جراحی جدی در نظام حقوقی کشور است و گرنه اقتصاد ما انرژی لازم برای ادامه دادن با این وضع را ندارد. البته فعالیت اقتصادی کشور ادامه می‌یابد اما جهش‌های بزرگ که بتواند بحران‌ها را پشت سر بگذارد رخ نخواهد داد و شاهد یک فرایند تدریجی اضمحلال تدریجی در اقتصاد خواهیم بود. و البته اصولاً در چنین شرایطی سخن از توسعه، بی‌وجه است.